

سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی بررسی مقایسه ای ایران و کره جنوبی

محمد علی شیرخانی*

دانشیار گروه روابط بین الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

نسیم سادات واسعی زاده

دانشجوی دکتری روابط بین الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۹/۲/۱۵ - تاریخ تصویب: ۱۹/۵/۳۰)

چکیده:

اگرچه تلاش های مختلفی در جهت تبیین علل تفاوت سطح توسعه اقتصادی در دو کشور ایران و کره جنوبی انجام شده اما در هیچ یک به طور خاص نقش سرمایه اجتماعی مورد بررسی قرار نگرفته است. این در حالی است که در سال های اخیر شاهد مطرح شدن نظریه پیوند سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی و توجه ویژه به آن از سوی نهادهای اقتصادی بین المللی بوده ایم. در این پژوهش با بهره گیری از این نظریه بررسی تجربی آن را در مورد دو کشور ایران و کره جنوبی مد نظر قرار داده ایم. بر اساس نتایج به دست آمده ارتباطی معنادار بین پایین بودن سطح کلی سرمایه اجتماعی در ایران و ناکامی در دستیابی به اهداف توسعه ای کشور قابل مشاهده است. در مقابل بالا بودن سطح سرمایه اجتماعی در کره جنوبی نقشی مثبت در دستیابی کره به جایگاه ممتاز از نظر توسعه اقتصادی داشته است.

واژگان کلیدی:

سرمایه اجتماعی، توسعه اقتصادی، اعتماد، مشارکت اجتماعی، فساد اداری- مالی، ایران، کره جنوبی

مقدمه

مسئله توسعه کشورهای جنوب به طور خاص پس از جنگ جهانی دوم تلاش نظری قابل توجه را به خود معطوف کرده است. از آن زمان تاکنون دیدگاه‌های متنوع در ارتباط با عوامل شتابزا یا بازدارنده‌ی توسعه اقتصادی در کشورهای مختلف مطرح شده است. خیزش اقتصادی تعدادی از کشورهای جنوب و پیوستن آنها به جرگه کشورهای صنعتی ضمن ایجاد امیدواری در میان کشورهای جنوب، توجه این کشورها را به مسیر پیموده شده به عنوان راهی متمایز از راهکارهایی که تا پیش از آن به عنوان تنها مسیر توسعه معرفی می‌شدند، جلب کرد. کره جنوبی نمونه‌ای بارز از کشورهایی است که توانست ظرف مدت چند دهه به سطح بالایی از توسعه دست یابد. این کشور در دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ یکی از عقب‌افتاده‌ترین کشورهای آسیا به شمار می‌رفت. در جنگ جهانی دوم سیستم اقتصادی مستعمراتی بر این کشور حاکم بود که برای اهداف ژاپن طراحی شده بود. در جنگ دو کره نیز زیربنای اقتصادی کره از بین رفت و این کشور تا حد بسیاری به کمک‌های امریکا وابسته شد. اما متعاقب آن در سال ۱۹۶۲ برنامه‌های توسعه این کشور با عنوان برنامه‌های پنج ساله آغاز شد. توسعه صنعتی کره جنوبی بر مبنای، عادی‌سازی روابط با ژاپن و استراتژی توسعه صادرات پایه‌گذاری شد. توسعه اقتصادی عمدتاً تحت برنامه‌های هدایت شده دولتی رهبری و اجرا گردید (یانگ، ۱۳۸۶: ۱۱۵). این روند در چند دهه ادامه یافت به نحوی که امروز اقتصاد کره جنوبی سیزدهمین اقتصاد بزرگ جهان و چهارمین اقتصاد بزرگ آسیاست (یانگ، ۱۳۸۶: ۱۱۵; Wikipedia, 2009c).

در مقابل ایران به رغم بهره‌مندی از ذخایر وسیع انرژی، نیروی کار فراوان و... در پیگیری اهداف توسعه با موفقیت‌های چشمگیر مواجه نبوده است. نگاهی به آمارهای اقتصادی تفاوت سطح توسعه‌یافتگی دو کشور را به خوبی نشان می‌دهد. اگرچه اختلاف فاحشی از نظر تولید ناخالص داخلی GDP وجود ندارد. اما تولید ناخالص داخلی سرانه که به عنوان شاخص توسعه اقتصادی مطرح است تفاوتی محسوس را نشان می‌دهد. سایر شاخص‌ها نیز نشان‌دهنده تفاوت قابل توجه سطوح توسعه‌یافتگی دو کشور می‌باشند. این اختلاف آشکار این سوال را در ذهن ایجاد می‌کند که کدامیک از عوامل رشد و توسعه اقتصادی در کره جنوبی وجود داشته‌اند که ایران فاقد آن بوده است. تلاش‌های مختلف در جهت پاسخ به این سوال صورت گرفته است. اما تاکنون نقش سرمایه اجتماعی به طور خاص در این ارتباط مورد بررسی قرار نگرفته است. در این پژوهش تلاش کرده‌ایم تا با توجه به مطرح شدن نظریه پیوند سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی و فقدان پژوهشی تجربی در مورد ارتباط سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی در دو کشور ایران و کره جنوبی به بررسی این ارتباط بپردازیم. بدین ترتیب، پس از مروری بر نظریات مطرح شده در باره پیوند سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی، به تعریف دو مفهوم

سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی پرداخته و شاخص‌های آنها را که سنجش و مقایسه سطوح سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی در دو کشور را ممکن خواهد کرد، معرفی می‌کنیم. با بهره‌گیری از این شاخص هاست که وضعیت سرمایه اجتماعی در کره جنوبی و ایران و توسعه اقتصادی در دو کشور را مورد بررسی قرار می‌دهیم. در نهایت مقاله با جمع بندی از ارتباط بین شاخص‌های مختلف دو مفهوم به پایان خواهد رسید.

نظریات پیوند سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی

در سال‌های اخیر شاهد توجه اقتصاددانان و توسعه پژوهان به سرمایه اجتماعی بوده‌ایم. بن فاین در فصلی از کتاب خود با عنوان سرمایه اجتماعی و نظریه اجتماعی: اقتصاد سیاسی و دانش اجتماعی در طلیعه هزاره سوم چگونگی ورود مفهوم سرمایه اجتماعی به اندیشه‌های گری بکر را بررسی می‌کند. به بیان فاین: "استفاده از مفهوم سرمایه اجتماعی به وسیله بکر که اقتصاددان معمولی ضداجتماعی است و با عوامل اجتماعی چونان عوامل اقتصادی برخورد می‌کند با شدت زیادی آشکار می‌سازد که مفهوم سرمایه اجتماعی تا چه حد به بازگشت دوباره مفهوم اجتماعی به عرصه اقتصاد وابسته است؛ مفهومی که قبلاً از عرصه اقتصاد بیرون رانده شده است" (فاین، ۱۳۸۵).

از میان مهم‌ترین آثاری که به رابطه سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی پرداخته‌اند می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: مطالعه منطقه‌ای پاتنام در ایتالیا در سال ۱۹۹۳ که به عنوان پژوهشی پایه‌ای در ارتباط با رابطه سرمایه اجتماعی و توسعه یکی از مهم‌ترین تحقیقات صورت گرفته در این زمینه است که نشان داده است که چطور نگرش‌های مدنی و اعتماد می‌تواند بر تفاوت عملکرد اقتصادی اثرگذار باشد (Putnam, Leonardi and Nanetti, 1993). کتاب دیگر پاتنام و همکارانش نقش سرمایه اجتماعی در توسعه: ارزیابی تجربی در سال ۲۰۰۲ رابطه سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی را در ده کشور مورد بررسی تجربی قرار داده است. بر مبنای این بررسی‌ها نیز نقش غالب سرمایه اجتماعی در کاهش فقر و تسریع توسعه روستایی و تسهیل تدارک کالا و خدمات در کنار تسهیل گذار سیاسی و خروج از منازعات داخلی، نشان داده شده است (Grootaert, Bastelaer and Putnam, 2002).

در بسیاری از آثار فوکویاما نیز ارتباط سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی مورد توجه قرار گرفته است. وی در کتاب "اعتماد" مثال‌هایی از اینکه چگونه سرمایه اجتماعی، اقتصاد جهانی معاصر را شکل داده ارائه کرده است. مثلاً کارگاه‌های خانوادگی را به موتور توسعه اقتصادی در مکان‌هایی از قبیل مرکز ایتالیا، هنگ کنگ، و تایوان تبدیل کرده است (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۶۴؛ Fukuyama, 1995b). وی پس از آن در مقالات دیگر به دسته‌بندی کشورها از نظر برخورداری

از سرمایه اجتماعی کافی برای تولید اقتصادی (Fukuyama, 1995a). تاثیر بحران اعتماد در کشورهای امریکای لاتین بر ساختارهای تولیدی در آن کشورها (Fukuyama, 2002: 23-26) و... پرداخته است.^۱ به تعبیر وی بنگاه‌های خانوادگی و عدم شکل‌گیری شرکت‌های بزرگ غیر شخصی با مالکیت پراکنده در کنار عدم شفافیت تجاری که به عنوان مانعی برای سرمایه‌گذاران بیرونی تلقی می‌شود از جمله آثار اقتصادی بحران اعتماد در کشورهاست. تهیه یک صورت مالی برای خانواده و صورت مالی دیگری برای اداره مالیات و یا سرمایه‌گذاران بیرونی رویه‌ای مرسوم در میان جوامعی است که از سطح اعتماد پایین برخوردار هستند (Ibid).

علاوه بر اشاره به تاثیر مستقیم سرمایه اجتماعی بر وضعیت اقتصادی این جوامع فوکویاما به تاثیر باواسطه سرمایه اجتماعی بر توسعه نیز توجه دارد. بدین ترتیب که وی به نقش قابلیت همکاری و کار جمعی در سازمان‌های بزرگ، به عنوان نمودی از سرمایه اجتماعی، در ایجاد نهادهای دولتی کارآمد و قوی که می‌توانند در رسیدن جوامع به توسعه اقتصادی نقشی مهم ایفا کنند، اشاره کرده است. علاوه بر این به نقش مشارکت اجتماعی در قالب آنچه جامعه مدنی خوانده می‌شود در ایجاد دموکراسی به عنوان نوعی از حکومت که دارای مشروعیت بوده و در نتیجه توان اعمال سیاست‌های درون‌گرا اقتصادی را دارا باشد به عنوان پیش شرطی برای توسعه اقتصادی جوامع مد نظر قرار داده است (Ibid, pp. 23-26). علاوه بر چارچوب نظری فراهم شده بوسیله پوتنام و فوکویاما آثار تجربی مختلف نیز به رابطه سرمایه اجتماعی و رشد اقتصادی پرداخته‌اند. یکی از این آثار مقاله تجربی مهم است که بوسیله استفان نک (Stephen Knack) و فیلیپ کیفر (Philip Keefer) منتشر شده و الگوی همبستگی معنادار بین سطح اعتماد و سطح درآمد سرانه در بین ۲۹ کشور از سال ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۲ را نشان داده است (Knack & Keefer, 1997: 1251). مقاله یان آلگن (Yann Algan) و پیر کاهک (Pierre Cahuc) که با سنجش میزان اعتماد موروثی مهاجران امریکایی اثری قابل ملاحظه از اعتماد بر درآمد سرانه را برای ۳۰ کشور در بین سال‌های ۱۹۴۹ تا ۲۰۰۳ به دست آورده‌اند (Algan & Cahuc, 2010) و پژوهش بوگلسدیک (Sjoerd Buegelsdijk) و اسکایک (Ton van Schaik) که نشان می‌دهد سرمایه اجتماعی به عنوان فعالیت مشارکتی ارتباطی مثبت با تفاوت‌های رشد اقتصادی در ۵۴ منطقه اروپایی داشته است (بوگلسدیک و اسکایک، ۱۳۸۷: ۶۲: Beugelsdijk & Schaik, 2001) از دیگر آثار تجربی در این زمینه هستند. در نهایت می‌توان به مدل ارائه شده بوسیله پاؤل زک (Paul J. Zak) و استفن ناک (Stephen Knack) اشاره کرد که بر مبنای آن سطح بالای اعتماد در جوامع از طریق افزایش کارایی اقتصادی بر رشد اثر می‌گذارد. بدین ترتیب که با کاهش هزینه‌های

۱. برای بررسی مفصل‌تر این آثار مراجعه کنید به: (واسعی زاده، ۱۳۸۹: ۸۰-۷۱).

حمل و نقل، کاهش هزینه‌ها در هنگام بستن قراردادها و کاهش هزینه‌ها در اجرای قراردادها میزان سرمایه‌گذاری افزایش می‌یابد. در مقابل در محیط‌های با سطح پایین اعتماد نرخ سرمایه‌گذاری کاهش می‌یابد. پیش‌بینی‌های این مدل بوسیله نتایج حاصل از آزمون‌های تجربی روی ۴۱ کشور مورد بررسی و تأیید قرار گرفته است (Zak & Knack, 2001).

با وجود این، نباید از نظر دور داشت که تحقیقات صورت گرفته عمدتاً در کشورهای اروپایی و آمریکا بوده است. بوگلسدیک در مقاله‌ای در سال ۲۰۰۱ به این موضوع اشاره کرده است. به تعبیر وی این تحقیقات "هرگز در مورد کشورهای در حال توسعه انجام نشده و این سوال باقی مانده است که آیا ارتباط سرمایه اجتماعی و رشد اقتصادی در کشورهای فقیر و غنی یکسان است؟" (بوگلسدیک و اسکایک، منبع پیشین: ۹۰). برای یافتن پاسخ این سوال راهی جز تحقیق در کشورهای دیگر وجود ندارد. ما در اینجا برآنیم تا ارتباط سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی را در ایران و کره جنوبی مورد بررسی تجربی قرار دهیم. بدین منظور پیش از هر چیز نیازمند ارائه تعریفی از سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی هستیم تا پس از آن بتوانیم با ارائه شاخص‌هایی به سنجش و مقایسه درجه همبستگی آنها در دو کشور ایران و کره جنوبی بپردازیم.

تعریف مفاهیم

۱. سرمایه اجتماعی

در سال‌های اخیر مطالعات وسیع بوسیله دانشمندان و محققان مختلف از اقتصاددانان و جامعه‌شناسان تا متخصصان علوم سیاسی، سیاست‌گذاری و... در ارتباط با سرمایه اجتماعی صورت گرفته و نظریه‌پردازان و صاحب‌نظران مختلف تعاریف متعددی از سرمایه اجتماعی ارائه کرده‌اند. مطرح‌ترین اندیشمندان این حوزه را می‌توان پیر بوردیو (Pierre Bourdieu)، جیمز کلنن (James Coleman)، رابرت پاتنام (Robert Putnam) و فرانسیس فوکویاما (Francis Fukuyama) برشمرد (McLean & McMillan, 2009). پیربوردیو (۱۹۸۵) - جامعه‌شناس فرانسوی - تعریفی بسط یافته از سرمایه اجتماعی مطرح می‌کند. از دید بوردیو سرمایه اجتماعی عبارت است از منابع بالقوه یا بالفعل ناشی از عضویت در شبکه‌ای از روابط نسبتاً نهادینه شده مبتنی بر آشنایی و شناخت متقابل (Bourdieu & Wacquant, 1992: 119). سرمایه از نظر بوردیو سه شکل اساسی دارد: ۱. سرمایه اقتصادی، که مستقیماً قابل تبدیل شدن به پول است و می‌تواند به شکل حقوق مالکیت درآمد؛ ۲. سرمایه فرهنگی که با بعضی شروط قابلیت تبدیل به سرمایه اقتصادی را دارد و ممکن است به شکل مدارک تحصیلی در آیند؛ و ۳. سرمایه اجتماعی که از تکالیف و تعهدات اجتماعی ساخته شده است و در برخی شرایط

قابل تبدیل شدن به سرمایه اقتصادی می‌باشد (بورديو، ۱۳۸۴: ۱۳۶). جیمز کلمن سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از منابع تعریف می‌کند که در گروه وجود دارد (همچون خانواده یا سازمان اجتماعی) و شکل‌گیری اعمال اعضا را تسهیل می‌کند (McLean & McMillan, 2009). به عبارت دیگر، سرمایه اجتماعی به توانایی افراد برای کار جمعی در قالب گروه اطلاق می‌شود (Fukuyama, 2002: 23). از دید پاتنام سرمایه اجتماعی به سه مولفه از زندگی اجتماعی یعنی شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد باز می‌گردد که به اعضا امکان تعقیب بهتر اهداف مشترک را می‌دهد (McLean & McMillan, 2009). فوکویاما تعریفی دیگر ارائه می‌دهد. از دید او سرمایه اجتماعی را به سادگی می‌توان به عنوان مجموعه‌ای معین از هنجارها یا ارزش‌های غیررسمی مشترک بین اعضای یک گروه تعریف کرد که آنان را قادر به همکاری با یکدیگر می‌سازد (Fukuyama, 1999 Quoted in: Durlauf, 2002: 460). اگرچه تعاریف متعددی از سرمایه اجتماعی مطرح شده اما آنچه از مجموعه این تعاریف برداشت می‌شود این است که سرمایه اجتماعی در بردارنده مضامینی همچون اعتماد، همکاری و روابط متقابل بین اعضای یک گروه است که پیگیری اهداف مشترک را تسهیل می‌کند. علاوه بر این به نظر می‌رسد رفته رفته شاهد حرکت به سمت مفهومی مشخص تر از سرمایه اجتماعی هستیم. پاتنام در مقاله "سرمایه اجتماعی: سنجش و پیامدها" می‌نویسد: "ولکاک به درستی اشاره کرده است که حرکتی آشکار به سوی تعریف ولکاک از سرمایه اجتماعی بین افرادی که در این حوزه فعالیت می‌کنند ایجاد شده است" (Putnam, 2001: 41). سرمایه اجتماعی از دید وی اطلاعات، اعتماد و هنجارهای متقابل است که در شبکه‌های اجتماعی یک فرد وجود دارد (Woolcock, 1998: 153).

۱-۱. شاخص‌های سرمایه اجتماعی

به منظور اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی، ضمن تقسیم سرمایه اجتماعی به ابعاد مختلف، شاخص‌هایی برای آن ارائه شده است. از آن میان می‌توان به اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی به عنوان مطرح‌ترین موارد اشاره کرد.

اعتماد اجتماعی: اعتماد به عنوان یکی از مهم‌ترین ابعاد سرمایه اجتماعی به تنهایی یا در کنار سایر ابعاد نشان‌دهنده سطح بهره‌مندی گروه‌ها و جوامع از سرمایه اجتماعی است. پاتنام در "سرمایه اجتماعی: اندازه‌گیری و پیامدها" اعتماد را به عنوان نماینده سرمایه اجتماعی در نظر می‌گیرد. وی می‌نویسد: "من با ولکاک موافقم که اعتماد اجتماعی بخشی از تعریف سرمایه اجتماعی نیست اما مطمئناً پیامد بدون فاصله آن بوده و در نتیجه می‌تواند به عنوان نماینده سرمایه اجتماعی در نظر گرفته شود" (Putnam, 2001: 43). از میان پژوهشگران این حوزه، فوکویاما بیش از سایرین به این بعد از سرمایه اجتماعی توجه کرده است. به تعبیر وی

"اعتماد بر یک سلسله عادات اخلاقی و تعهدات رفتاری دوطرفه استوار است که به وسیله اعضای جوامع نهادینه می‌شود" (Fukuyama, 1995b). برای سنجش میزان اعتماد در جوامع علاوه بر پرسش مستقیم از افراد جامعه در ارتباط با میزان اعتماد به سایرین می‌توان از طریق بررسی شاخص‌های حاکی از مخدوش بودن اعتماد به سنجش سطح اعتماد اجتماعی در جوامع پرداخت. از جمله این شاخص‌ها می‌توان به **فساد اداری-مالی، جرایم عمومی و نابرابری درآمدی** به عنوان نمودی از شکاف‌های اجتماعی اشاره کرد.

مشارکت و شبکه‌های اجتماعی: مشارکت در امور اجتماعی و عضویت در شبکه‌هایی مبتنی بر ارزش‌های مشترک ابعادی دیگر از سرمایه اجتماعی را شکل می‌دهند. بدین ترتیب، می‌توان با بررسی میزان عضویت افراد جامعه در تشکلهای جامعه مدنی- در غالب انجمن‌ها، کانون‌ها و گروه‌هایی که روابط افراد در آنها با یکدیگر افقی بوده و رابطه عمودی (یعنی رئیس و مرئوس یا ارباب و رعیت) در آن وجود ندارد به سنجش سطح سرمایه اجتماعی در آن جوامع پرداخت. میزان مشارکت در فعالیت‌های مدنی نظیر انتخابات، حضور در گردهمایی‌ها، راهپیمایی‌ها، مناظره‌های سیاسی، نامه نوشتن به روزنامه‌ها و نمایندگان مجلس و مقامات حکومتی نظیر امضای طومار، درصد افرادی که بدون دریافت دستمزد در یک پروژه محلی یا کار گروهی مشارکت کرده‌اند و درصد افرادی که عضو یک گروه یا انجمن شهروندی هستند به عنوان دیگر شاخص‌های سرمایه اجتماعی مطرح اند.

توسعه اقتصادی

اقتصاددانان تعاریف مختلفی از توسعه ارائه کرده‌اند. جرالدمیر (Gerald Meier) توسعه اقتصادی را فرایند افزایش درآمد واقعی سرانه یک کشور طی یک دوره بلند مدت می‌داند (Meier, 1970: 7). از دید ژوزف شومپیتر (Joseph Alois Schumpeter)، توسعه اقتصادی عبارت است از تغییرات زندگی اقتصادی در اثر عوامل درون‌زا که عمدتاً ابداع و ابتکار را در برمی‌گیرد (فرهنگ، ۱۳۶۷: ۲۰). آمارتیا سن (Amartya Kumar Sen) در کتاب خود با عنوان "توسعه به مثابه آزادی"، توسعه را فرایند بسط و گسترش آزادی‌های واقعی می‌خواند که مردم از آنها بهره می‌برند (سن، ۱۳۸۰). مطابق تعریفی دیگر توسعه اقتصادی را کاهش فقر، نابرابری و بیکاری در اقتصاد در حال رشد خوانده‌اند. توسعه از جمله مفاهیمی است که می‌توان فهرستی بلند از تعاریف آن عرضه کرد با این حال در میان فهرست تعاریف مختلف این مفهوم مورد اجماع صاحب‌نظران است که توسعه نه تنها افزایش رشد طی مدت معین است بلکه مستلزم تغییر در ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه است به طوری که تداوم و استمرار رشد تضمین شود. به عبارت دیگر، توسعه اقتصادی، رشد اقتصادی همراه با تغییرات بنیادین در

اقتصاد و افزایش ظرفیت‌های تولیدی اعم از ظرفیت‌های فیزیکی، انسانی و اجتماعی است. در مجموع اگر بپذیریم که هدف از توسعه، انسانی‌تر زیستن انسان است می‌توانیم توسعه اقتصادی را به رشد پایدار در استانداردهای زندگی تعبیر کنیم.

شاخص‌های توسعه اقتصادی

از جمله مهم‌ترین شاخص‌هایی که برای سنجش سطح توسعه‌یافتگی اقتصادی جوامع مورد استفاده قرار می‌گیرند می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

شاخص تولید ناخالص داخلی سرانه بر اساس قدرت خرید (GDP/n)(PPP): از تقسیم ارزش همه کالاها و خدمات نهایی تولید و ارزش‌گذاری شده به قیمت جاری بازار طی سال مالی در داخل کشور به جمعیت آن، تولید ناخالص داخلی سرانه به دست می‌آید. این شاخص در کشورهای مختلف، معمولاً با سطح درآمد سرانه کشورهای پیشرفته مقایسه می‌شود. اما از آنجا که قیمت کالا و خدمات در کشورهای مختلف یکسان نیست برای مقایسه بهتر از شاخصی دیگر به نام شاخص برابری قدرت خرید (PPP) کمک گرفته می‌شود. در این روش، مجموعه‌ای از قیمت‌های حاکم در یک کشور در نظر گرفته شده و از آن برای ارزیابی قیمت کالاهای تولید شده در سایر کشورها استفاده می‌شود.

وسعت فقر: درصدی از جمعیت یک کشور که زیر "خط فقر" زندگی می‌کنند شاخصی دیگر از وضعیت توسعه کشورهای مختلف است. وسعت فقر به دو عامل سطح متوسط درآمد ملی و درجه نابرابری در توزیع درآمد بستگی دارد. در هر سطح از درآمد ملی، هرچه توزیع درآمد نا عادلانه‌تر و سطح متوسط درآمد پایین‌تر باشد میزان فقر بیشتر است. مفاهیم "خط فقر" (به عنوان مفهومی نسبی) و "فقر مطلق" جهت تعیین میزان حداقل درآمد لازم جهت ادامه بقا و معیشت افراد یک جامعه بر اساس تامین نیازهای اولیه غذا، پوشاک و مسکن وضع شده است (متوسلی، ۱۳۸۷: ۲۲).

نرخ بیکاری: نرخ بیکاری یا درصدی از جمعیت فعال در یک کشور که دارای شغل دائمی نیستند شاخصی دیگر است که در ارزیابی وضعیت توسعه جوامع مختلف در کنار سایر شاخص‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد.

شاخص توسعه انسانی (HDI): در کنار شاخص‌های اقتصادی بالا، شاخص کلی توسعه انسانی نیز که مجموع امید به زندگی، نرخ با سواد، تحصیلات و استانداردهای زندگی را برای کشورهای مختلف در بر گرفته و از سوی برنامه توسعه ملل متحد منتشر می‌شود، مورد توجه قرار می‌گیرد.

از دیگر شاخص‌هایی که به منظور مقایسه وضعیت توسعه اقتصادی کشورهای مختلف مورد توجه هستند، می‌توان به نرخ تورم، سهم صادرات با فناوری پیچیده از کل صادرات، تعداد کاربران اینترنت (در هر ۱۰۰ نفر)، تعداد دارندگان تلفن همراه (در هر ۱۰۰ نفر)، مدت زمان لازم برای ایجاد کسب و کار جدید، ارزش افزوده بخش کشاورزی، صنعت و خدمات و همچنین سهم صادرات کالا و خدمات از GDP اشاره کرد (World Bank, 2009b).

سرمایه اجتماعی در کره جنوبی

اعتماد اجتماعی در کره جنوبی

اگرچه فوکویاما در کتاب "اعتماد" کره را در کنار چین، هنگ‌کنگ و تایوان به عنوان جوامعی تحت تاثیر خویشاوندگرایی کنفوسیوسی و با سطح پایین اعتماد خارج از حلقه خویشاوندی معرفی کرده بود (Fukuyama, 1995)، با وجود این، نتایج نظرسنجی جهانی ارزش‌ها (WVS: World Values Survey) در سال‌های ۱۹۸۱، ۱۹۹۰، ۱۹۹۵، ۲۰۰۰ و ۲۰۰۵، نظرسنجی اجتماعی عمومی کره (KGSS: Korean General Social Survey) و آن دسته از تحقیقات تجربی صورت گرفته بوسیله محققین کره‌ای که اعتماد و احتیاط را در مقابل یکدیگر قرار نداده‌اند، تقسیم‌بندی فوکویاما را تایید نمی‌کنند.^۱

ریچارد رز (Richard Rose) (1998) بر مبنای نظرسنجی‌های "سنجش جدید کره" (NKB: 1997) (New Korea Barometer survey) و "سنجش جدید جوامع دموکراتیک" (NDB: New Democracies Barometer survey) (1998) سطح اعتماد اجتماعی در کره را بالا (۷۷ درصد) توصیف می‌کند. در این نظرسنجی‌ها ۱۲ درصد از پرسش‌شوندگان کره‌ای در پاسخ به این سوال که "فکر می‌کنید اکثریت مردم تا چه حد قابل اعتماد هستند؟" گزینه‌ی خیلی زیاد را انتخاب کرده و ۶۵ درصد عنوان کرده‌اند که اکثریت مردم تا حدودی قابل اعتماد هستند. در مقابل ۲۲ درصد پرسش‌شوندگان اکثریت مردم را کمی قابل اعتماد دانسته و تنها ۱ درصد افراد ابراز کرده‌اند که به هیچ وجه مردم را قابل اعتماد نمی‌دانند (You, 2005: 8). در مطالعه تجربی چو (Kisuk Cho) و چویی (Byung-il Choi) نیز که در سال ۲۰۰۰ انجام شده سطح اعتماد عمومی بین کره‌ای‌ها بالا ارزیابی شده است. بر مبنای نتایج حاصل از این مطالعه، نرخ

۱. یو تحقیقات صورت گرفته از جمله تحقیقاتی که بعضاً با فرضیه فوکویاما هماهنگی دارد را از حیث مشکلاتی همچون تفاوت سوالات و یا جوامع آماری متفاوت مورد انتقاد قرار داده است. چو و پارک (Cho & Park 2004) تفاوت‌های موجود در نتایج بررسی‌های صورت گرفته را ناشی از اختلاط مفهوم اعتماد و احتیاط دانسته، تقابل این دو مفهوم را رد می‌کنند. برای بحث مفصلی در این رابطه مراجعه کنید به: (You, 2005a: 5-7).

۲. همانطور که ملاحظه می‌شود در این سوال "احتیاط" (being cautious) دخالت ندارد و کلمات و جمله‌بندی با سوالات WVS متفاوت است.

همکاری در شرایطی که اعتماد عمومی تنها مبنای انتظار فرد از همکاری طرف مقابل است در میان کره‌ای‌ها (۴۲ درصد) بیش از امریکاییان (۳۸ درصد) و ژاپنی‌ها (۱۲ درصد) بوده است (Cho & Choi, 2000, Quoted in You, op. cit.: 8&9). این نتایج با نتایج حاصل از مطالعه مقایسه‌ای صورت گرفته بوسیله دلهی (Jan Delhey) و نیوتن (Kenneth Newton) نیز همخوانی دارد. در این پژوهش اعتماد اجتماعی در ۷ کشور بر اساس نظرسنجی‌هایی بین سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۱ مورد مقایسه قرار گرفته است. بر این مبنای درصد افراد اعتماد کننده در کره (۶۰ درصد) بسیار بالا و بالاتر از شش جامعه اروپایی مورد بررسی (یعنی سوئیس ۴۳ درصد، آلمان شرقی ۳۵ درصد، آلمان غربی ۳۲ درصد، اسپانیا ۲۸ درصد، مجارستان ۱۸ درصد و اسلونی ۱۴ درصد) گزارش شده است (Delhey & Newton, 2003, Quoted in You, op. cit.: 8&9). با وجود این، بر مبنای نظرسنجی جهانی ارزش‌ها (۲۰۰۵) تنها ۲۸ درصد پرسش‌شوندگان با این گزاره که "بیشتر افراد جامعه قابل اعتماد هستند" موافق بوده‌اند و در مقابل ۷۱ درصد معتقدند که باید در برخورد با مردم محتاط باشند. اگرچه نتایج این نظرسنجی در کره جنوبی از نظر عدم تمایز بین اعتماد و احتیاط مورد انتقادات مختلف قرار گرفته است اما این میزان همانطور که در ادامه خواهیم دید همچنان در مقایسه با ایران وضعیت بهتر را نشان می‌دهد.^۱

علاوه بر پرسش اشاره شده، سوالاتی دیگر در نظرسنجی جهانی ارزش‌ها وجود دارد که می‌تواند ما را در سنجش سطح اعتماد در این کشور یاری رساند. بر اساس این نظرسنجی در سال ۲۰۰۵، تنها ۱/۱ درصد از کره‌ای‌ها کاملاً معتقدند که "بیشتر مردم اگر فرصتی دست دهد از آنها سوء استفاده می‌کنند". در مقابل ۶۸/۹ درصد پرسش‌شوندگان معتقدند "بیشتر مردم می‌کوشند انصاف را رعایت کنند" (WVS, 2008: South Korea/2005). بر مبنای نتایج حاصل از برخی دیگر از سوالات نظرسنجی جهانی ارزش‌ها (۲۰۰۵-۲۰۰۸)، ۷۳/۲ درصد از کره‌ای‌ها به همسایگان خود اعتماد دارند، ۸۳/۶ درصد به افرادی که شخصاً می‌شناسند اعتماد دارند، ۱۴/۹ درصد به افرادی که برای بار اول می‌بینند، ۴۱/۷ درصد به افراد سایر مذاهب و ۲۷/۱ درصد به افراد خارجی اعتماد دارند (Ibid).

در مجموع سطح اعتماد اجتماعی در کره جنوبی بالاست. حتی بر مبنای WVS نیز (به رغم انتقادات مطرح با توجه به ترجمه) سطح اعتماد اجتماعی در کره رتبه ۱۴ را در میان ۵۰ کشور

۱. این امر با توجه به تفاوت در ترجمه فارسی نظرسنجی صورت گرفته که از عبارت "باید بسیار مراقب و محتاط باشیم" استفاده شده است از اهمیتی دو چندان برخوردار است. (بر مبنای این نظر سنجی ۸۸/۷ درصد پرسش‌شوندگان ایرانی معتقدند که باید در مواجهه با بیشتر افراد جامعه "بسیار مراقب و محتاط" باشیم).

مورد بررسی در سال ۱۹۹۵ و رتبه ۲۵ را از میان ۶۶ کشور در سال ۲۰۰۰ داشته است (You, op. cit.: 9).

فساد اداری- مالی و جرایم عمومی در کره جنوبی

در برخی منابع کره جنوبی از نظر عدم فساد اداری در جایگاه سوم جهان معرفی شده است (یانگ، ۱۳۸۶: ۱۱۶). با این حال با استناد به شاخص‌های پذیرفته شده تر همچون شاخص فساد اداری- مالی کشورهای جهان (CPI: Corruption Perceptions Index) نیز شاهد قرار گرفتن کره جنوبی در میان کشورهایی با میزان فساد اداری- مالی کمتر هستیم. در گزارش سازمان شفافیت بین‌المللی (Transparency International Organization) شاخص فساد اداری- مالی (CPI) (که در آن فساد با توجه به میزان دریافت و پرداخت رشوه و سوء استفاده از امکانات عمومی برای مقاصد شخصی تعریف می‌شود) بر مبنای اعداد ۱ تا ۱۰ نشان داده شده است. این شاخص برای کره جنوبی از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۰۹ به ترتیب اعداد ۵/۱، ۵/۶ و ۵/۵ را داشته است. این اعداد به ترتیب رتبه‌های ۴۳، ۴۰ و ۳۹ در جهان را برای کره جنوبی از حیث عدم فساد اداری مالی نشان می‌دهد (Infoplease, 2007; 2008; 2009).

به گزارش مرکز پیشگیری از جرایم سازمان ملل متحد تعداد قتل عمد در کره جنوبی در سال ۲۰۰۲، ۹۵۵ فقره، معادل ۲ قتل در هر ۱۰۰ هزار نفر بوده است و تعداد سرقت‌های صورت گرفته ۳۰۲۷ مورد بوده است. نسبت مصرف‌کنندگان مواد مخدر نیز در هر ۱۰۰ هزار نفر ۹/۹ نفر گزارش شده است (UNODC, 2002). این آمار همانطور که در ادامه خواهیم دید بسیار کمتر از آمار جرایم عمومی و فساد مالی در ایران است.

نابرابری درآمدی در کره جنوبی

احساس نابرابری درآمدی یکی از عوامل مخدوش کننده اعتماد و افزایش دهنده فساد اداری- مالی است. بر مبنای نتایج حاصل از نظرسنجی جهانی ارزش‌ها (۲۰۰۵-۲۰۰۸) تنها ۴/۴ درصد کره‌ای‌ها با این جمله کاملاً موافق هستند که "درآمدها باید عادلانه تر شود". در مقابل بیش از ۶۰ درصد افراد تفاوت‌های درآمدی را به عنوان مشوق رقابت مفید دانسته و خواهان افزایش آن در جامعه هستند (WVS, op. cit.). (ضریب جینی (Gini) کره در سال ۲۰۰۷ نیز، ۰/۳۱ (کم) بوده است) (Wikipedia, 2009f).

مشارکت و شبکه های اجتماعی در کره جنوبی

تشکل های غیردولتی به عنوان نمودی از مشارکت اجتماعی از اهمیتی والا در کره جنوبی برخوردارند. به تعبیر اینچون کیم (Inchoon Kim) تشکلات داوطلبانه نقشی مهم در فراهم آوردن خدمات، ارتقاء عملکردها و ایجاد مفهومی جدید از دموکراسی مشارکتی در کره داشته‌اند. جامعه مدنی نیز به عنوان بازیگری اساسی در اداره‌ی کره جنوبی ایفای نقش می‌کند (Kim, 2004). علاوه بر این، نظرسنجی صورت گرفته در کره نیز حاکی از سطحی قابل قبول از مشارکت اجتماعی است. بر مبنای نظرسنجی جهانی ارزش‌ها (۲۰۰۵)، ۳۴ درصد پرسش‌شوندگان تاکنون پویشی (Petition) را امضا کرده و ۴۳/۳ درصد نیز ابراز کرده‌اند که ممکن است در آینده به چنین فعالیتی مبادرت ورزند (WVS, op. cit.). نتایج تحقیقی دیگر در ارتباط با مشارکت اجتماعی در کره جنوبی بر مبنای دو پرسش "آیا شما عضو گروه یا سازمان رسمی هستید؟" و "آیا شما عضو هیچ گروه، تجمع یا همنشینی خصوصی هستید؟" نیز هر چند که در مقایسه با ژاپن و تایوان الگوی مشارکت اجتماعی در کره متفاوت است اما در هر حال حاکی از سطح قابل توجه سرمایه اجتماعی در این کشور است (Park, 2005: 69).

همانطور که ملاحظه کردیم سرمایه اجتماعی در کره جنوبی با توجه به شاخص‌های مورد بررسی از سطحی بالا برخوردار است. میزان بالای اعتماد اجتماعی بر مبنای نظرسنجی‌های صورت گرفته در کنار وضعیت مطلوب این کشور از نظر عدم وجود فساد اداری- مالی و سطح نسبتاً قابل قبول مشارکت اجتماعی در مجموع کره جنوبی را در گروه کشورهای برخوردار از سطح بالای سرمایه اجتماعی قرار می‌دهد.

سرمایه اجتماعی در ایران

اعتماد اجتماعی در ایران

طبق آماري که در طرح ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان در سال ۱۳۸۰ بوسیله دفتر طرح‌های ملی به دست آمده ۸۸/۴ درصد مردم به اعضاء خانواده خود بسیار زیاد اعتماد دارند. این رقم در مورد اقوام ۴۹ درصد، در مورد دوستان نیز ۴۹ درصد بوده است. در مقابل مردم یکدیگر را تا اندازه ۴/۳ درصد قابل اعتماد ارزیابی کرده‌اند. علاوه بر آن نتایج تحقیق "سنجش اعتماد اجتماعی" با دو معرف اعتماد به مردم و اعتماد به مسئولین، نشان می‌دهد که از نظر پاسخگویان اعتماد مردم نسبت به هم در مقیاس پنج قسمتی، به ترتیب از سطح خیلی کم تا خیلی زیاد عبارت است از ۶۷/۸، ۱۸/۴، ۹/۸، ۰/۹، ۳/۲ و همچنین اعتماد مردم نسبت به مسئولین به همین ترتیب عبارت است از ۴۴/۲، ۲۱/۳، ۲۴/۲، ۶/۱، ۴/۱ (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰ به نقل از افشار، ۱۳۸۵). مطابق نظرسنجی جهانی ارزش‌ها (۲۰۰۵) نیز تنها ۱۰/۵ درصد

پرسش شوندگان ایرانی با این گزاره که "بیشتر افراد جامعه قابل اعتماد هستند" موافق بوده اند و در مقابل ۸۸/۷ درصد معتقدند که "باید در برخورد با مردم بسیار مراقب و محتاط باشند" (WVS, 2008). بر مبنای همین نظرسنجی پاسخ افراد در برابر این پرسش که "آیا فکر می‌کنید بیشتر مردم اگر فرصت دست دهد از شما سوء استفاده می‌کنند یا می‌کوشند انصاف را رعایت کنند؟" (سوال ۴۶ در پرسشنامه فارسی) در مجموع ۶۲/۹ درصد از پرسش‌شوندگان بیان کرده‌اند که اکثر افراد اگر فرصت دست دهد از آنها سوء استفاده می‌کنند. در مقابل ۳۷/۱ درصد افراد به درجات مختلف مردم را منصف ارزیابی کرده‌اند که از این میان صرفاً ۵ درصد از پرسش‌شوندگان مردم را کاملاً منصف ارزیابی کرده اند (Ibid). همانطور که مشاهده می‌شود نتایج حاصله حاکی از آن است که در جامعه ایران، بر خلاف کره جنوبی، احساس بی‌اعتمادی و نگرانی از مورد سوء استفاده سایرین قرار گرفتن بسیار بالاست.

فساد اداری- مالی و جرایم عمومی در ایران

اشاره کردیم که یکی دیگر از شیوه‌های ارزیابی سطح برخورداری جوامع از سرمایه اجتماعی استفاده از شاخص‌های غیرمستقیم به عنوان نموده‌های فقدان سرمایه اجتماعی است. از این میان، فساد اداری مالی نمودی از اعتماد مخدوش در جوامع است. بنا بر گزارش سازمان شفافیت بین‌المللی، نمره اقتصاد ایران از نظر فساد اداری- مالی در سال ۲۰۰۹، ۱/۸ اعلام شده است که رتبه ۱۶۸ را در میان ۱۸۰ کشور جهان داراست (Transparency International, 2009b; Infoplease, 2009). این شاخص در سال ۲۰۰۸ برابر با عدد ۲/۳ و در رتبه ۱۴۱ بوده است (Infoplease, 2008). سال ۲۰۰۷، CPI برای کشور ایران ۲/۵ و در رتبه ۱۳۱ از میان ۱۷۹ کشور جهان بوده است (Infoplease, 2007). این رتبه در سال ۲۰۰۶، ۱۰۶ ام (۲/۷) از میان ۱۶۳ کشور جهان بوده است (Transparency International, 2009b; Wikipedia 2009a). در نتیجه رتبه ایران در کنار کشورهایی که به عنوان فاسدترین کشورها از حیث نظام اقتصادی، اداری و مالی شناخته شده‌اند، قرار گرفته است.^۱ حتی اگر مبنای این شاخص‌ها را نیز زیر سوال برده و خواهان ارائه شاخص‌های "بومی" شویم^۲ باز قادر به انکار وجود حجمی عظیم از فساد اداری- مالی در ایران نخواهیم بود. به روایت اسناد و مدارک رسمی و دولتی نیز شاهد پراکندگی و گسترده‌گی فساد اداری- مالی در ایران هستیم. در این ارتباط می‌توان به ۲۴۱ مورد

۱. آنچه در اینجا مورد توجه ماست در مجموع تصور بالای افراد جامعه از میزان فساد اداری- مالی است. هرچند سیر شتابان

تنزل جایگاه ایران با توجه به فساد اداری- مالی طی سال‌های اخیر خود نیازمند توجهی مضاعف به این موضوع است.

۲. در مرکز مطالعات مجلس مطالبی تحت عنوان "بومی سازی شاخص‌های فساد اقتصادی در ایران" بر ضرورت بومی کردن شاخص‌ها تاکید کرده است (Majlis Research Center, 1386).

اختلاس جمعاً به مبلغ ۳۶/۶ میلیارد ریال و ۷۶۹۴۷۹۵ دلار بین سال‌های ۱۳۶۸ تا ۸ ماه اول ۱۳۷۴ صرفاً در بانک ملی و شرکت‌های تابعه آن اشاره کرد (مصلى نژاد، ۱۳۸۴: ۲۵۰-۲۴۵). آمار مربوط به استقراض بدون مجوز، فروش ارز بدون مجوز قانونی و تناقض در الگوهای رفتاری بانک‌ها نیز جالب توجه است. در سال ۱۳۸۷، رئیس وقت قوه قضاییه از رشد سالانه ۱۲ تا ۱۵ درصدی تخلفات اداری در کشور خبر داده است (فرارو، ۱۳۸۷). علاوه بر این موارد می‌توان به ۲۷ هزار پرونده کلاهبرداری، ۹۱۴ پرونده اختلاس، ۳۸ پرونده جعل سند، ۱۶ هزار پرونده قاچاق کالا، ۲ هزار و ۳۴۸ پرونده اخلال در نظام اقتصادی و ۶ پرونده ارتشا که به گفته سخنگوی قوه قضاییه در سال ۱۳۸۶ مورد رسیدگی قرار گرفته است به عنوان نمونه‌هایی دیگر از اعتماد مخدوش در جامعه اشاره کرد (روزنامه مردمسالاری، ۱۳۸۷).

از دیگر شاخص‌های غیرمستقیم برای سنجش سرمایه اجتماعی جوامع به تعداد قتل عمد، میزان سرقت و حجم مواد مخدر کشف شده اشاره می‌شود. تعداد قتل عمد صورت گرفته در ایران در سال‌های ۱۳۷۰، ۱۳۷۵ و ۱۳۸۱ به ترتیب ۲۷۰۰، ۲۴۰۰ و ۵۹۰۰ فقره عنوان شده است. تعداد سرقت‌های ثبت شده در سال‌های مزبور به ترتیب ۹۹۰۰۰، ۱۳۸۰۰۰ و ۳۰۸۰۰۰ فقره بوده است. میزان مواد مخدر کشف شده نیز به ترتیب ۳۹۰۰۰، ۱۶۳۰۰۰ و ۱۰۴۰۰۰ کیلوگرم اعلام شده است (خاندوزی، ۱۳۸۳: ۷۳).

نابرابری درآمدی در ایران

دیدگاه افراد در ارتباط با نابرابری درآمدی می‌تواند به عنوان یکی از عوامل مخدوش‌کننده اعتماد و افزایش فساد مورد توجه قرار گیرد. بر مبنای نظرسنجی جهانی ارزش‌ها (۲۰۰۵) ۶۹/۳ درصد از پرسش‌شوندگان ایرانی در مواجهه با این سوال که "به نظر شما فاصله درآمد مردم باید کمتر شود و یا برای اینکه افراد انگیزه تلاش بیشتر داشته باشند فاصله درآمدها باید بیشتر شود" بیان کرده‌اند که خواستار کاهش فاصله درآمد مردم هستند. از این میان ۲۵/۸ درصد افراد به شدت خواستار کاهش فاصله درآمدی بوده‌اند (بالاترین میزان در مقیاس ده‌گانه) (WVS, op. cit.). ملاحظه می‌شود که بر خلاف کره جنوبی، احساس نابرابری درآمدی در ایران بالاست و اکثر افراد معتقدند که این فاصله درآمدی باید کم شود. این احساس باید به عنوان یکی از عوامل بی‌اعتمادی در جامعه و افزایش دهنده درصد فساد اداری مالی، مورد توجه قرار گیرد (نابرابری درآمدی در ایران بر اساس ضریب جینی (Gini) نیز در سال ۲۰۰۸، ۰/۳۸ (متوسط) بوده است) (Wikipedia, 2009d).

مشارکت و شبکه های اجتماعی در ایران

در طرح پژوهشی رفتارهای فرهنگی ایرانیان که بوسیله دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اجرا شده در مورد مشارکت اجتماعی از فعالیت اعضا در ۱۱ زمینه پرسش شده است: اعضای خانواده در کدام یک از فعالیت‌ها یا تشکل‌هایی که اسامی آنها ذکر می‌شود شرکت دارند یا عضو هستند؟ انجمن‌های علمی و فرهنگی، انجمن خانه و مدرسه، اتحادیه صنفی، انجمن اسلامی، بسیج، شورای محله، هیات امنای مسجد، تشکل‌های سیاسی، کانون‌های فرهنگی، انجمن‌های خیریه و صندوق‌های قرض الحسنه. بر مبنای یافته‌های طرح پژوهشی فعالیت و مصرف کالاهای فرهنگی در شهرهای مختلف ایران از جمله تهران، ۲۱/۸ درصد افراد ۱۵ سال و بیشتر، در یک یا چند فعالیت اجتماعی مورد پرسش شرکت و ۷۸/۱ درصد در هیچ یک از این فعالیت‌ها شرکت نمی‌کنند. ۱۴/۴ درصد جمعیت در ۱ فعالیت، ۳/۹ درصد در ۲، ۱/۸ درصد در ۳ و ۱/۷ درصد در ۴ و بیش از ۴ فعالیت شرکت می‌کنند. سرانه (میانگین) مشارکت افراد ۱۵ ساله و بالاتر در فعالیت‌های اجتماعی ۰/۳ فعالیت است (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۱: ۱۵۹ و ۱۶۰).

همانطور که ملاحظه کردیم سرمایه اجتماعی در ایران با توجه به شاخص‌های مورد بررسی از سطحی بالا برخوردار نیست. اشاره مستقیم بخشی قابل توجه از افراد به غیرقابل اعتماد دانستن مردم و نگرانی آنها از مورد سوءاستفاده قرار گرفتن، در کنار وضعیت نگران‌کننده شاخص فساد اداری- مالی و دیگر شاخص‌های غیرمستقیم از ابعاد جرایم و ناهنجاری‌های اجتماعی حاکی از سطح نه چندان مطلوب سرمایه اجتماعی در ایران امروز است.

توسعه اقتصادی در کره جنوبی و ایران

در جدول ذیل و با توجه به شاخص‌های مطرح شده برای توسعه اقتصادی، به مقایسه وضعیت توسعه دو کشور پرداخته ایم:

کشور ایران	کشور کره جنوبی	سال ۲۰۰۸
۸۳۹/۴۳۸ میلیارد دلار	۱/۳۴۲ تریلیون دلار	GDP بر اساس قدرت خرید
۱۲۳۰۰ دلار	۲۷۰۰۰ دلار	GDP سرانه بر اساس قدرت خرید
۱۱٪ (۲۰۰۶)	۲٪	جمعیت زیر خط فقر
۱۱٪	۳/۲٪	نرخ بیکاری
۷۵۹	۹۲۹	شاخص توسعه انسانی (HDI)
۲۵٪	۳٪	تورم (annual % GDP deflator)
۱۰٪	۳٪	ارزش افزوده بخش کشاورزی (% of GDP)

ارزش افزوده بخش صنعت (% of GDP)	۳۷٪	۴۵٪
ارزش افزوده بخش خدمات (% of GDP)	۶۰٪	۴۵٪
سهم صادرات کالا و خدمات از GDP	۵۳٪	۳۳٪
تعداد کاربران اینترنت (در هر ۱۰۰ نفر)	۷۷	۳۲
تعداد دارندگان تلفن همراه (در هر ۱۰۰ نفر)	۹۴	۶۰
مدت زمان لازم برای ایجاد کسب و کار جدید	۱۷ روز	۲۸ روز

آمارها از:

(World Bank, 2009a), (UNDP, 2007), (Wikipedia, 2009b), (Wikipedia, 2009c), (Wikipedia, 2009f).

مشاهده می‌شود که تفاوت قابل توجه بین شاخص های اقتصادی دو کشور وجود دارد. در شرایطی شاهد بیش از دو برابر بودن تولید ناخالص داخلی سرانه کره جنوبی نسبت به ایران هستیم که این کشور فاقد درآمدهای عظیم نفتی ایران است. همچنین در حالی که کره جنوبی از حیث توسعه انسانی در گروه کشورهای با "سطح توسعه انسانی بسیار بالا" قرار گرفته است (کشورهایی با HDI بالاتر از ۰/۹۰۰)، ایران جزو کشورهای برخوردار از توسعه انسانی "متوسط" است (UNDP, 2009: 213). شاخص های دیگر همچون تعداد کاربران تلفن و اینترنت و سهم بخش های مختلف اقتصادی از تولید ناخالص داخلی نیز از تفاوت وضعیت توسعه یافتگی دو کشور حکایت می کنند.

از سوی دیگر، تفاوت فاحش نسبت جمعیت زیر خط فقر در دو کشور حاکی از وسعت نابرابری درآمدی به عنوان نمودی از اعتماد مخدوش در جوامع نیز قابل توجه است. نقش عضویت در شبکه های اجتماعی در رهایی از فقر مطلق و در نتیجه کاهش درصد افرادی که زیر خط فقر زندگی می کنند به عنوان یک ایده در ارتباط با تاثیر سرمایه اجتماعی بر شاخص های توسعه اقتصادی مطرح شده است. اگرچه در اینجا مطالعه میدانی خاص در مورد میزان عضویت افرادی که زیر خط فقر زندگی می کنند در شبکه های اجتماعی، صورت نگرفته اما می توان این پیوند را بین دو شاخص مطرح شده در سطح کلی مشاهده کرد. بدین ترتیب که از یک سو شاهد عضویت کمتر ایرانیان در شبکه های اجتماعی نسبت به کره ای ها هستیم و از سوی دیگر با ۹ برابر بودن جمعیت زیر خط فقر ایران نسبت به کره جنوبی مواجهیم (جمعیت زیر خط فقر در کره ۲ درصد و در ایران ۱۸ درصد است).

تفاوت محسوس دیگر بین شاخص های اقتصادی را می توان در نرخ بیکاری دو کشور ملاحظه کرد. در سال ۲۰۰۸، نرخ بیکاری در ایران ۱۱ درصد و در کره جنوبی ۳ درصد بوده است. عوامل مختلف می توانند در افزایش نرخ بیکاری موثر باشند اما بی شک سرمایه گذاری در بخش های مولد از مهم ترین عوامل موثر در تولید شغل و کاهش نرخ بیکاری است. بی اعتمادی به عنوان مانعی بر سر راه سرمایه گذاری بخش خصوصی از جمله عواملی است که در نهایت

می‌تواند به افزایش نرخ بیکاری بیانجامد. تولید شغل نیازمند سرمایه‌گذاری در بخش‌های مولد است و سرمایه‌گذاری در بستری از اعتماد رخ می‌دهد. سطح بالای اعتماد در کره جنوبی به عنوان عاملی در جهت افزایش سرمایه‌گذاری و سطح پایین اعتماد در ایران در نقش عامل بازدارنده برای سرمایه‌گذاران عمل کرده است.

نقش شبکه‌های اجتماعی و اعتماد در ایجاد و موفقیت شرکت‌های بزرگ تجاری که می‌تواند به رقابت، انتقال تجارب و افزایش بهره‌وری بیانجامد، اثر اعتماد اجتماعی بر تسهیل عقد قراردادهای تجاری، کاهش مدت زمان و تعداد فرایندهای لازم برای ایجاد کسب و کار جدید به عنوان شاخص‌های دیگر توسعه اقتصادی از دیگر روابطی هستند که در مورد تاثیر سرمایه اجتماعی بر توسعه اقتصادی مطرح گشته‌اند. با نگاهی به آمار بالا می‌توانیم تاثیر پایین تر بودن سطح اعتماد اجتماعی در ایران را بر افزایش مدت زمان لازم برای ایجاد کسب و کار جدید ملاحظه کنیم (۲۸ روز در ایران در مقابل ۱۷ روز در کره جنوبی).

نتیجه

به طور خلاصه آنچه را که در این بررسی تجربی بدست آمده است می‌توان تایید نقش سرمایه اجتماعی در تسهیل روند توسعه اقتصادی جوامع دانست. به عبارت دیگر در مقایسه ایران و کره جنوبی نیز شاهد همبستگی دو مفهوم و اثرگذاری سرمایه اجتماعی بر توسعه اقتصادی هستیم. در شرایطی که در کره جنوبی بهره‌مندی از سرمایه اجتماعی قابل قبول، نقش مهم در به کارگیری منابع و امکانات برای حرکت در مسیر رشد و توسعه ایفا کرده است، عدم برخورداری ایران از این سرمایه به مانعی بر سر راه استفاده از سایر منابع (مادی و انسانی) در جهت دستیابی کشور به اهداف توسعه‌اش نیز تبدیل شده است. بهره‌مندی از منابع مادی قابل توجه کشور که عمدتاً به وجود ذخایر نفتی و گازی عظیم باز می‌گردد بدون توجه به سرمایه‌های انسانی و اجتماعی نمی‌تواند به تنهایی به توسعه اقتصادی بیانجامد. درآمدهای حاصل از فروش نفت در شرایطی که اعتماد اجتماعی کافی به تصمیم‌گیرندگان وجود نداشته باشد و یا تصور جامعه از گستردگی فساد اداری- مالی در جامعه بالا باشد می‌تواند خود به تشدید بحران اعتماد در جوامع انجامیده و چرخه‌ای معیوب را تداوم دهد. در مقابل، سطوح بالای اعتماد اجتماعی علاوه بر تاثیراتی که به طور مستقیم، در افزایش سرمایه‌گذاری، تحرک اقتصادی و ... دارد می‌تواند در بهره‌مندی جوامع از دولت‌های کارآمد نیز اثرگذار باشد. همچنین نقش تشکلهای و شبکه‌های اجتماعی در ایجاد دموکراسی که با بالا بردن سطح برخورداری دولت‌ها از مشروعیت، توان آنها را برای اعمال اصلاحات دردناک اقتصادی افزایش می‌دهد از دیگر نکاتی است که در ارتباط با نقش سرمایه اجتماعی در توسعه اقتصادی

مطرح است. نگاهی به مجموعه این روابط ضرورت توجه هر چه بیشتر به سرمایه اجتماعی به منظور بهره‌مند گشتن جامعه از دستاوردها و پیامدهای مثبت آن در فرایند توسعه ملی را نشان می‌دهد.

منابع و مأخذ:

الف. فارسی:

۱. افشار، (۱۳۸۵)، "بررسی روند روبه کاهش سرمایه اجتماعی". مجله جامعه‌شناسی ایران، اینترنت: http://sociologyofiran.com/index.php?option=com_content&task=view&id=447&Itemid=65 (Accessed: 2009-11-21).
۲. بوردیو، پیر (۱۳۸۴)، "شکل‌های سرمایه". در کیان تاجبخش، سرمایه اجتماعی: اعتماد دموکراسی و توسعه. تهران: نشر شیرازه، صص ۱۶۵-۱۳۱.
۳. بوگلسدیک، جورج؛ اسکایک، تون ون (۱۳۸۷)، "سرمایه اجتماعی و رشد اقتصادی منطقه‌ای" ترجمه: حمیدرضا مقصدی. راهبرد یاس، شماره ۱۶ (زمستان)، صص ۹۳-۵۷.
۴. تاجبخش، کیان (گردآورنده) (۱۳۸۴)، سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه. ترجمه افشین خاکباز، حسن پویان. تهران: نشر شیرازه.
۵. خاندوزی، سید احسان (۱۳۸۳)، "استراتژی اقتصادی بر محور سرمایه‌های اجتماعی". فصلنامه راهبرد، شماره ۳۳، صص ۸۰-۵۴.
۶. روزنامه مردمسالاری (۱۳۸۷) شماره ۱۸۲۵ (۲۹ خرداد).
At: <http://www.mardomsalari.com/template1/Article.aspx?AID=4477> (Accessed: 2010-01-04)
۷. سن، آمارتیا (۱۳۸۰)، توسعه به مثابه آزادی. ترجمه احمد موثقی. تهران: دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
۸. فاین، بن (۱۳۸۵)، سرمایه اجتماعی و نظریه اجتماعی: اقتصاد سیاسی و دانش اجتماعی در طلیعه هزاره سوم. ترجمه محمد کمال سروریان. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۹. فرارو، پایگاه خبری تحلیلی (۱۳۸۷)، "نشست ویدئو کنفراسی رئیس قوه قضاییه یا شورای قضایی استان خراسان شمالی" (۲۳ آبان).
At: <http://www.fararu.com/vdch6inz.23nqvdfit2.html> (Accessed: 2010-01-04)
۱۰. فرهنگ، منوچهر (۱۳۶۷)، فرهنگ واژگان اقتصادی. تهران: نشر معاصر.
۱۱. فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹)، پایان نظم. ترجمه غلامعباس توسلی. تهران: انتشارات جامعه ایرانیان.
۱۲. لی، گونگ یونگ (۱۳۸۶)، رشد و توسعه اقتصادی در کره جنوبی. ترجمه و تلخیص مرتضی سلطان پور ایبانه. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۳. متوسلی، محمود (۱۳۸۷)، توسعه اقتصادی: مفاهیم، مبانی نظری، رویکرد نهادگرایی و روش‌شناسی. چاپ سوم، تهران: سمت.
۱۴. مصلی نژاد، غلامعباس (۱۳۸۴)، آسیب‌شناسی توسعه اقتصادی در ایران. تهران: قومس.
۱۵. واسعی زاده، نسیم سادات (۱۳۸۹)، سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی: بررسی مقایسه‌ای ایران و کره جنوبی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
۱۶. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۰)، ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان. تهران: دفتر طرح و پیمایش ارزش و نگرش‌ها، ۱۳۸۰.
۱۷. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۱)، یافته‌های طرح پژوهشی فعالیت و مصرف کالاهای فرهنگی در تهران: رفتارهای فرهنگی ایرانیان. تهران: دفتر طرح‌های ملی.

ب. خارجی:

1. Algan, Yann & Pierre Cahuc (2010), "Inherited Trust and Growth". **American Economic Review**. Vol. 100, No. 5, pp. 2060-92.
2. Beugelsdijk, Sjoerd & Ton van Schaik (2001), "Social Capital and Regional Economic Growth", Paper submitted to ERSA, Jyväskylä (Finland)
3. Bourdieu, Pierre & Loic Wacquant (1992), **Invitation to Reflexive Sociology**. Chicago: University of Chicago Press.
4. Cho, Kisuk & Byung-il Choi (2000), "A cross-Society Study of Trust and Reciprocity: Korea, Japan, and the US". **International Studies Review**, Vol. 3, No. 2, pp. 31-43.
5. Delhey, Jan & Kenneth Newton (2003), "Who Trusts?: The Origins of Social Trust in Seven Societies". **European Societies**, Vol. 5, No. 2, pp. 93-137.
6. Durlauf, Steven N. (2002), "On the Empirics of Social Capital", **The Economic Journal**. Vol. 112 (November), pp.459-479.
7. Evans, Peter (1996) ,"Government action, Social Capital and Development: Reviewing the Evidence on Synergy". **World Development**. Vol. 24, Issue 6, (June), pp. 1119-1132.
8. Fukuyama, Francis (1995a), "Social Capital and the Global Economy". **Foreign Affairs**, Vol.74, No.5 (September/October), pp. 89- 103.
9. Fukuyama, Francis (1995b), **Trust: The Social Virtues and the Creation of Prosperity**. New York: The Free Press.
10. Fukuyama, Francis (2002), "Social Capital and Development: The Coming Agenda". **SAIS Review**, Vol.XXII, No.1 (Winter- Spring), pp. 23-37.
11. Grootaert, Christiaan, Thierry van Bastelaer & Robert Putnam (Foreword) (2002) **The Role of Social Capital in Development: an Empirical Assessment**. Cambridge: Cambridge University Press.
12. Infoplease (2009), "Most Corrupt Countries" At: <http://www.infoplease.com/world/statistics/most-corrupt-countries-2009.html> (Accessed: 2010-04-06).
13. Infoplease (2008), "Transparency International Corruption Perceptions" At: <http://www.infoplease.com/world/statistics/2008-transparency-international-corruption-perceptions.html> (Accessed: 2010-04-06).
14. Infoplease (2007), "Transparency International Corruption Perceptions" At: <http://www.infoplease.com/world/statistics/2007-transparency-international-corruption-perceptions.html>. (Accessed: 2010-04-06).
15. Jacobs, Jane (1961), **The Death and Life of Great American Cities**. New York: Random House.
16. Kim, Inchoon (2004), "Voluntary Associations, Social Capital, and Civil Society in Comparative perspective: South Korea and Sweden". **Global Economic Review**, Vol. 33, Issue 4, pp. 75 – 96.
17. Knack, Stephen & Philip Keefer (1997), "Does Social Capital Have an Economic Payoff? A Cross-Country Investigation". **The Quarterly Journal of Economics**, Vol. 112, No. 4 (November), pp 1251-1288
18. Majlis Research Center (1386), "Naturalizing Economic Corruption Indices in Iran" At: <http://www.majlis.ir/mhtml/modules.php?name=News&file=print&sid=1811> (Accessed 2008-06-14).
19. McLean, Iain & Alistair McMillan (2009), "Social Capital" in **The Concise Oxford Dictionary of Politics** , Oxford: Oxford University Press, 2009.
20. Meier, Gerald (1970), **Leading Issues in Economic Development**. Oxford: Oxford University Press.
21. Park, Chong Min (2005), "Social Capital and Democratic Citizenship: The Case of South Korea". **Japanese Journal of Political Science**, Vol. 6, No.1, pp 63-85.
22. Putnam, Robert (2000), **Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community**. New York: Simon and Schuster.
23. Putnam, Robert (2001), "Social Capital: Measurement and Consequences". **ISUMA-Canadian Journal of Policy Research**, Vol.2 (Spring), pp. 41-51.
24. Putnam, Robert, R. Leonardi & R.Y. Nanetti (1993) **Making Democracy Work: Civic Traditions in Modern Italy**. Princeton: Princeton University Press.
25. Transparency International (2006), "CPI Table". At: http://www.transparency.org/newsroom/in_focus/cpi_2006/cpi_table (Access Denied in Iran!) Quoted in Wikipedia (2009a).
26. Transparency International (2009a), "CPI". At:

- http://www.transparency.org/policy_research/surveys_indices/cpi (Access Denied in Iran!) Quoted in Wikipedia (2009a).
27. Transparency International (2009b), "CPI Table". At: http://www.transparency.org/policy_research/surveys_indices/cpi/2009/cpi_2009_table (Access Denied in Iran!) Quoted in Wikipedia (2009a).
 28. UNDP (United Nations Development Program) (2007), **Human Development Report 2007/2008**. At: http://hdr.undp.org/en/media/hdr_20072008_en_complete.pdf (Accessed: 2009-12-08).
 29. UNDP (United Nations Development Program) (2009), **Human Development Report 2009, Overcoming Barriers: Human Mobility and Development**. At: http://hdr.undp.org/en/media/HDR_2009_EN_Complete.pdf (Accessed 2010-04-25)
 30. UNODC (United Nations Office on Drugs and Crime, Centre for International Crime Prevention) (2002), **The Eighth United Nations Survey on Crime Trends and the Operations of Criminal Justice Systems**. At: <http://www.nationmaster.com/country/ks-korea-south/crime> (Accessed 2010-04-25).
 31. Wikipedia (2009a) "Corruption Perceptions Index". At: http://en.wikipedia.org/wiki/Corruption_Perceptions_Index (Accessed: 2010-04-06).
 32. Wikipedia (2009b) "Economy of Iran". At: <http://en.wikipedia.org/> (Accessed: 2009-12-08).
 33. Wikipedia (2009c) "Economy of South Korea". At: http://en.wikipedia.org/wiki/Economy_of_South_Korea (Accessed: 2009-10-21).
 34. Wikipedia (2009d) "Iran". At: <http://en.wikipedia.org/wiki/Iran> (Accessed: 2009-10-21).
 35. Wikipedia (2009f) "South Korea". At: http://en.wikipedia.org/wiki/South_Korea (Accessed: 2009-10-21).
 36. World Bank (2009a). "World Development Indicators". At: <http://ddp-ext.worldbank.org/ext/DDPQQ/report.do?method=showReport> (Accessed 2010-04-06).
 37. World Bank (2009b) "WDI Online List of Time Series Indicators". At: <http://web.worldbank.org/WBSITE/EXTERNAL/DATASTATISTICS/0,,contentMDK:20523397~menuPK:64133163~pagePK:64133150~piPK:64133175~theSitePK:239419,00.html> (Accessed: 2010-04-06).
 38. Woolcock, Micheal (1998) "Social Capital and Economic Development: Toward a Theoretical Synthesis and Policy Framework". **Theory and Society**, Vol.27, pp. 151-208.
 39. WVS (World Values Survey) (2008) "Online Data Analysis2005-2008". At: <http://www.wvsevsdb.com/wvs/WVSanalyzeQuestion.jsp> (Accessed 2009-12-25).
 40. You, Jong-sung (2005) "A Study of Social Trust in South Korea; with Comparative Perspectives", in 100th Annual Meeting of the American Sociological Association, Philadelphia, August 13-16, 2005, pp 1-30. At: <http://ksghome.harvard.edu/~youjong/Ch%206%20Social%20Trust%20in%20Korea.doc>. (Accessed: 2009-12-29).
 41. Zak, Paul J. & Stephen Knack (2001) "Trust and growth". **Economics Journal**, Vol. 111, pp.295 – 321.

از این نویسنده تاکنون مقالات زیر در همین مجله منتشر شده است:

"کاربرد آمار در علوم سیاسی و سیاست‌گذاری عمومی"، شماره ۳۲، سال ۷۳؛ "اقتصاد سیاسی کنترل خود-به-خودی جمعیت: رهیافتی نو"، شماره ۳۵، سال ۷۵؛ "رابطه لشنگری کشوری در دوران بعد از حکومت‌های خودکامه در آسیای مرکزی"، شماره ۴۲، سال ۷۷؛ "یکپارچه شدن جهانی و توسعه اقتصادی - اجتماعی کشورهای در حال توسعه"، شماره ۵۷، سال ۸۱؛ "هژمونیسیم تجاری آمریکا: شرایط دوره پس از جنگ سرد"، شماره ۲، سال ۸۷. "عمل‌گرایی در سیاست خارجی و گسترش روابط اقتصادی ایران و چین (۱۹۷۹-۱۹۹۹)"، شماره ۴، سال ۸۷؛ "اوپک و شوک های نفتی؛ آسیب شناسی رفتار اوپک در بازار جهانی نفت"، شماره ۲، سال ۸۸؛ "امنیت انرژی خاورمیانه و توسعه اقتصادی آسیا و اقیانوسیه (۲۰۰۸-۱۹۷۳)"، شماره ۴، سال ۸۸؛ "تئوری «نفرین منابع» یا نحوه مدیریت درآمدهای نفتی مطالعه موردی: مقایسه ایران و نروژ"، شماره ۲، سال ۸۹.